



فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۷، شماره ۲۴، پائیز ۹۶

سنجش روابط دفاعی ایران و چین در دوره ریاست جمهوری حسن روحانی

مسعود رضائی^۱، سعید وثوقی^۲

چکیده

امضای برجام که به نگرانی‌های بین‌المللی در مورد برنامه هسته‌ای ایران پایان داد، به پیش‌بینی‌های فزاینده‌ای در مورد آینده روابط دفاعی ایران و چین منجر شده است. از همین رو، پرسش اصلی مقاله بر این پایه استوار است که فضای پس از توافق هسته‌ای برای روابط ایران و چین در قلمرو نظامی در بردارنده چه ابعاد و ویژگی‌هایی است؟ آیا این تحول منجر به ارتقای روابط به سطح راهبردی میان دو کشور خواهد شد و شاهد مناسبات جدید دفاعی میان دو طرف خواهیم بود؟ در پاسخ، اشاره می‌شود که فضای پس‌ابرجام، صرفاً متضمن ایجاد نظامی جدید در روابط دو کشور است که با مجموعه‌ای از فرصت‌ها و توافقات، تنها سلسله‌مشارکت‌های راهبردی دوجانبه را مستحکم‌تر کرده و قادر است به نظم جدید در روابط دو کشور دوام بخشد؛ و این الزماً به معنای اتحاد راهبردی نیست. از همین رو، تأکید می‌شود که به با وجود متغیرهایی چون ایالات متحده آمریکا، عربستان سعودی و اسرائیل، و همچنین به جهت تفاوت در اولویت‌ها و تفاوت در نیازهای دو کشور در سطوح کلان مورد اشاره، روابط نظامی و دفاعی دو کشور پیشرفت چندانی به خود نخواهد دید.

کلیدواژه‌ها: برجام، ایران، چین، نظامی، جاده ابریشم، خاورمیانه، ژئوپلیتیک، آمریکا، اسرائیل

۱. دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان؛ رایانامه: msd.rezaei@yahoo.com

۲. استادیار روابط بین‌الملل دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول)؛ رایانامه: s.vosoughi@ase.ui.ac.ir



۱. مقدمه

حمایت همه‌جانبه و اشنگتن از صدام و همچنین کشورهای غربی و عربی در طول هشت سال جنگ علیه جمهوری اسلامی ایران، برجسته‌ترین رویدادی بود که باعث شد مقامات و تصمیم‌گیران در تهران، برای حفظ بقا و در راستای امنیت‌سازی، خود را ملزم به کسب توانمندی‌های کافی نظامی کنند و حداقل برای بازداشتن سایر کشورهای متخاصم از حمله و تجاوز دوباره، از یک‌سو در جهت اقتدار نظامی ملی گام بردارند؛ و از طرف دیگر، تلاش کنند با کشور چین به عنوان تنها عضو دائم شورای امنیت که امکان تعامل سیاسی و خرید تسلیحات از آن وجود داشت، مناسبات خود را به سطح راهبردی گسترش دهند. نیاز رو به افزایش چین به منابع انرژی فسیلی، عدم وجود پیشینه منفی در مناسبات تاریخی ایران و چین و همچنین طرح دکترین نگاه به شرق در سیاست خارجی ایران به همراه مخالفت چین با سیاست‌های یک‌جانبه‌گرایانه آمریکا پس از جنگ سرد، از جمله عواملی هستند که ظاهراً قابلیت ارتقای روابط دفاعی و راهبردی ایران و چین را برای تصمیم‌گیران در تهران میسر و امکان‌پذیر می‌سازند. از آن مقطع تا پایان دولت دهم، به جهت خاص بودن رفتار ایران در عرصه بین‌المللی، تنگنای راهبردی ایران در منطقه و جهان و همچنین غلبه رویکردهای ایدئولوژیک بر واقع‌گرایی در سیاست خارجی کشور، جمهوری اسلامی ایران برای تأمین بخشی از اهداف ملی خود در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی، نزدیکی به چین را به گونه‌ای روزافزون در کلیت سیاست دفاعی و راهبردی، واجد اهمیت اساسی دیده است. از طرفی، از زمان پیروزی انقلاب اسلامی تا کنون، آنچه مناسبات ایران و چین را در وضعیتی پایدار حفظ نموده، روابط مبتنی بر احترام به حاکمیت ملی، عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر و استقلال در سیاست خارجی آنها بوده است. به همین جهت، موضع پکن در قبال گسترش همکاری با تهران، تا حدودی در پرتو سیاست خارجی بلندمدت این کشور و اصول بنیادین آن هم‌راستا است.

بر این اساس، از ۲۰۱۳ م، روابط ایران و چین در مسیر عملگراییانه‌تری قرار گرفته است. در مارس ۲۰۱۳ م، با تشکیل دوازدهمین کنگره ملی خلق، دولت شی جین‌پینگ^۳ در چین روی کار آمد و در ژوئن همان سال نیز دولت حسن روحانی در انتخابات ریاست جمهوری پیروز شد. این روند با شروع متفاوت مذاکرات هسته‌ای میان ایران و شش قدرت جهانی دستخوش تغییرات شگرفی شد. سپس توافق هسته‌ای در ژوئیه ۲۰۱۵، مشروعیت بخشی به روابط بین‌المللی ایران و چین را به دوران پیش از بحران هسته‌ای و تحریم‌های ناشی از آن سوق داد؛ به‌نحوی که بحث روابط راهبردی دو کشور در رسانه‌ها و محافل سیاسی جهانی بررسی و گمانه‌زنی شد. با وجود این، الگوی رفتار چین در سیاست بین‌الملل بیش از آنکه

3. Xi Jinping



در رابطه با کشورهای انقلابی تعریف شود، تابعی از شاخص‌های گسترش همکاری با نظام، و همچنین ناشی از ضرورت‌های رفتار اقتصادی و راهبردی چین در روند همکاری با ایالات متحده و سایر کشورهای خاورمیانه است. از همین رو، مقاله حاضر با نگاهی واقع‌گرایانه و انتقادی، تمرکز خود را به دوره جدید روابط دفاعی-راهبردی ایران و چین در دوران روحانی قرار خواهد داد و با دستمایه قرار دادن شواهد و متغیرهای موجود، فرضیه بحث موجود را نیز حول این محور قرار خواهد داد که با وجود ملاحظات کنونی چین و همچنین ویژگی رفتار و سیاست خارجی ایران، هیچ‌گونه مطلوبیتی برای چین در همکاری دفاعی پیشرفته و اتحاد راهبردی با ایران نمی‌توان متصور بود.

۲. چارچوب مفهومی

در ۲۰۰۳ م و همزمان با روی کار آمدن هو جین تائو^۴ در چین، فروش تسلیحات و ارتباطات امنیتی چین با ایران به دلیل فشار و ادعای ایالات متحده در مورد حمایت ایران از تروریسم و ایجاد ساختگی بحران هسته‌ای، کاهش یافت. به همین خاطر بود که جین تائو - رئیس‌جمهور پیشین چین - در دوره زمامداری دولت‌های نهم و دهم در ایران، هرگز اراده و علاقه‌ای برای سفر به تهران نشان نداد. در واقع، شرایط ایران به لحاظ بین‌المللی، طی آن دوره، باعث سردی مناسبات سیاسی و سپس نظامی دو جانبه شده بود که چین را به تأسی از ملاحظات جهانی خود، از عدم پرداخت هزینه سیاسی نزدیکی به ایران ترغیب می‌نمود. از همین رو، چین در آن مقطع هیچ‌گونه همکاری استراتژیک با ایران نداشت؛ تا زمانی که ایران توافقنامه «برنامه جامع اقدام مشترک» (برجام) را امضا کرد و برخی از تحریم‌های سازمان ملل متحد و آمریکا علیه کشور برداشته شد. به همین جهت، درست ده سال تعاملات نظامی ارتش خلق چین با نیروهای مسلح ایران محدود یا متوقف شد. از این منظر، «مناسبات ایران با چین در حوزه دیپلماسی دفاعی در میان کشورهای جهان، تنها در جایگاه ۵۶ قرار داشت و سطح تعاملات نظامی و دفاعی دو کشور طی سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۳ م، تنها شاهد یک تماس دریایی (حضور ناو گروه ایرانی در سواحل چین) و ۱۱ جلسه میان مقامات ارشد نظامی دو کشور بود (Allen, Saunders & Chen, 2017: 57). اما زمانی که تحریم‌ها لغو شد، چین تلاش نمود همکاری استراتژیک با ایران را در دستور کار قرار داده و دیپلماسی دفاعی دو کشور رونق گرفت.

بنابراین، نخستین شرط لازم برای سازماندهی مناسبات راهبردی و دفاعی میان کشورها، وجود اراده مشترک برای ایجاد روابط متعادل سیاسی است، که این امر در خصوص ایران و چین پس از برجام و البته با وجود شرایط و نگاه مطلوب بین‌المللی نسبت به کشور در دولت

4. Hu Hintao



یازدهم مسیر مناسبی را طی نموده است. در همین راستا و با وجود زدودن شرایط ایران‌هراسی بود که رئیس‌جمهوری چین (شی جین‌پینگ)، به همراه معاونان، نخست‌وزیر، شش وزیر و ششصد بازرگان چینی پس از چهارده سال در بهمن ۱۳۹۴ به ایران سفر کرد؛ و در دیدار با روحانی و آیت‌الله خامنه‌ای، میان طرفین، فصل جدیدی از روابط با چشم‌اندازی ۲۵ ساله در پرتو «مشارکت جامع استراتژیک»^۵ در زمینه‌های متنوعی از جمله سیاسی، اقتصادی و نظامی رقم زده شد.

حال با توجه به پیشرفت‌های رخ داده در روابط ایران و چین، این سؤال مطرح می‌شود که در آینده و میان‌مدت، سطح روابط دو کشور از چه جایگاهی برخوردار خواهد شد و چگونه می‌توان نوع روابط دو کشور را مشخص نمود. در پاسخ باید گفت که عموماً روابط عالی کشورها به ترتیب در سه سطح قابل تعریف است: ۱) اتحاد راهبردی ۲) مشارکت راهبردی و ۳) همکاری راهبردی (رضائی، ۱۳۹۴: ۹۸). «اتحاد راهبردی»^۶، عالی‌ترین سطح روابط دو کشور را در برمی‌گیرد که اساساً ناظر به تعریف وجود تهدید یا تهدیدهای مشترک برای دو یا چند کشور است، به ترتیبی که کشورهای مشمول این اتحاد، نگاهی یکسان به چالش‌ها و یا تحولات جهانی دارند و در مقابل تضمین امنیت یکدیگر، برای دفاع و حمایت متقابل متعهد می‌شوند. اما «مشارکت راهبردی»^۷ وضعیتی را نشان می‌دهد که دو یا چند کشور با همکاری یکدیگر، به تعامل بلندمدت میان خود براساس عوامل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و تاریخی می‌پردازند. چنین مشارکتی در ادبیات روابط بین‌الملل، کمتر بعد امنیتی را در قیاس با اتحاد راهبردی شامل می‌شود و ممکن است در مقطعی بسته به مقتضیات شرایط و موضوع، به صورت موردی، همکاری دفاعی و نظامی در قالب آن نیز محقق شود.^۸ نهایتاً «همکاری راهبردی»^۹ نیز مشمول سطحی نازل‌تر از موارد فوق است که عموماً در پرتو همکاری‌های جامع اقتصادی و قراردادهای تجاری دو یا چندجانبه تعریف می‌شود که الزاماً مسائل امنیتی را به‌یاد نمی‌کشد. بنابراین، در این مقاله نشان خواهیم داد که مناسبات دفاعی ایران و چین در دوره روحانی و پس از توافق هسته‌ای نیز، با وجود معضل قطعیت در سیاست خارجی ایران، ملاحظات جهانی چین و همچنین نقش و اثرگذاری متغیرهای ایالات متحده آمریکا، عربستان سعودی و اسرائیل، از شرایط لازم برای تعریف در چارچوب اتحاد راهبردی برخوردار نخواهد شد.

5. Comprehensive Strategic Partnership” (*quan-mian zhanlüe huoban guanxi*, 全面战略合作伙伴关系)

6. strategic alliance

7. strategic partnerships

۸. بارزترین نمونه آن، مشارکت راهبردی گزینشی ایران و ترکیه در کردستان عراق است.

9. strategic cooperation



۳. بافت تاریخی سطح مبادلات تسلیحاتی

می‌دانیم که همکاری نظامی پیشرفته چین و ایران همواره دارای چالش‌های پیچیده‌ای بوده است. در این رابطه، لازم و ضروری است نخست بافت تاریخی موضوع را ارزیابی و شناسایی کنیم. ۱۷ شهریور ۱۳۵۷، هو آ کوفنگ^{۱۰} در صدر هیئت رئیسه حزب کمونیست چین در قالب یک سفر دوره‌ای پس از رومانی و یوگسلاوی به تهران سفر کرد و با محمدرضا پهلوی در خصوص مسائل مختلفی از جمله اهداف توسعه طلبانه شوروی همچون کودتای احتمالی طرفداران مسکو در افغانستان، ناآرامی در پاکستان و همچنین اشغال جنوب یمن توسط تندروهای حامی شوروی بحث و تبادل نظر کردند (Branigin, 1978: 1-7). اما انقلابیون از چین رنجیده‌خاطر شدند و این سفر را به عنوان حمایت پکن از شاه تلقی کردند (Ismaei, 1986: 216). با وقوع جنگ ایران و عراق و همچنین به همت نخستین سفیر جمهوری اسلامی ایران در چین در ۱۳۶۱، روابط دو کشور بهبود یافت و روابط سیاسی ترمیم شد. با وجود این، چین در قبال جنگ ایران و عراق سیاست دوگانه‌ای در پیش گرفته بود. سیاست اعلامی و رسمی پکن، بی‌طرفی و سیاست اعمالی آن تقویت بنیه نظامی و ایجاد نوعی توازن میان دو کشور در گیر جنگ بود. دولت دنگ شیائوپینگ^{۱۱} که روابط نوپایی را با آمریکا و دنیای غرب در آغاز دهه ۱۹۸۰ م برقرار کرده بود، به هیچ‌وجه مایل نبود به‌خاطر حمایت از جمهوری اسلامی ایران در مقابل عراق – که از پشتیبانی غرب برخوردار بود – این مناسبات را تخریب کند. چین در پیشبرد سیاست اجرایی خود قرارداد فروش سلاح به بغداد را چند ماه پس از شروع جنگ ایران و عراق به امضا رساند که به موجب آن هزار و سیصد دستگاه تانک T-59 ساخت دهه ۱۹۵۰، آتشبار توپخانه و نفربر زرهی به مبلغ یک میلیارد دلار به عراق تحویل داده شد (تیمرمن، ۱۳۷۳: ۳۱۱). در ماه‌های پایانی سال ۱۳۵۹ و شش ماهه اول سال ۱۳۶۰ و تشدید بحران داخلی در ایران، چین مناسبات خود را با عراق تقویت نمود و موافقت کرد برای به کار انداختن کوره اتمی، اورانیوم غنی شده به این کشور تحویل دهد (Kelsey, 1990).

با آغاز پیشروی‌های ایران در جبهه‌های جنگ در شش ماهه دوم سال ۱۳۶۰ و در سال ۱۳۶۱، مناسبات ایران و چین گسترش یافت و به دنبال سفر یک هیأت ایرانی به چین تفاهم‌نامه همکاری تجاری و نظامی بین دو کشور امضا شد. از مفاد این تفاهم‌نامه ایجاد چهار کارخانه اسلحه‌سازی برای تولید موشک، مهمات و لوازم یدکی در ایران بود. علاوه بر این، چین متعهد شد تجهیزات نظامی از قبیل موشک‌های ضد هوایی و ضد کشتی، قطعات توپخانه، لوله توپ و تفنگ و مهمات به ایران بفرشد (رویدادها و تحلیل، ۱۳۶۱: ۱۳-۱۴). چند ماه بعد در آوریل

10. Hua Kuo-feng

11. Deng Xiao-ping



۱۹۸۳ (بهار ۱۳۶۲) چین و جمهوری اسلامی ایران قراردادی رسمی بالغ بر یک میلیارد و سیصد میلیون دلار برای فروش سلاح امضا کردند. چین در این قرارداد ملزم شد تعداد ۱۰۰ فروند هواپیمای جنگی J-6، تانک‌های T-59، قطعات یدکی توپ‌های ۱۳۰ م.م. و سلاح‌های سبک را طی سه سال در اختیار ایران قرار دهد (شفیعی، ۱۳۸۱: ۵۷). چین رسماً اجازه صدور موشک‌های Styx با برد هشتاد کیلومتر را در سال ۱۹۸۴ به ایران صادر کرد. به گزارش منابع غربی، در مارس ۱۹۸۵ م طی قراردادی بین تهران و پکن، جمهوری خلق چین متعهد شد یک میلیارد و ششصد میلیون دلار اسلحه شامل ۱۴ فروند هواپیمای J-6 و J-7، دو یست دستگاه تانک T-59، توپ‌های صدوسی، موشک‌انداز ضد تانک، موشک کرم ابریشم (HY-2) و موشک‌های کروز C-801 به ایران تحویل دهد.^{۱۲}

در جریان سفر هاشمی رفسنجانی - رئیس وقت مجلس شورای اسلامی - در تیر ۱۳۶۴ به پکن نیز، طرفین در مورد فروش موشک‌های زمین به زمین چینی از نوع «اسکاد» به توافق رسیدند (رویدادها و تحلیل، ۱۳۶۱: ۱۵). در واقع، از همین سال بود که خرید سلاح‌های سنگین زمینی و هوایی از چین آغاز شد و تأثیری محتوایی قابل توجهی در جبهه‌های جنگ عراق به وجود آورد که در قالب آن چین تانک، رادار، موشک کروز، شناورهای گشتی و دیگر سلاح‌ها را در اختیار ایران گذاشت. چین طبق قرارداد منعقد شده ۴۰ فروند موشک زمین به زمین در اختیار ایران قرار دهد، مشروط به اینکه ایران تا تحویل کامل موشک‌ها از کاربرد آن‌ها خودداری کند و موضوع را پنهان نگه دارد. ۱۵ فروند از این موشک‌ها تا مهر ۱۳۶۴ تحویل ایران داده شد (رویدادها و تحلیل، ۱۳۶۴: ۱۵). در سال ۱۳۶۵، سومین محموله از سلاح‌ها و تجهیزات خریداری شده از چین، شامل ۱۸ فروند هواپیمای J-7 (مشابه میگ ۲۱) در اختیار سپاه پاسداران انقلاب اسلامی قرار گرفت و آموزش خلبانان و کارشناسان سپاه در چین آغاز شد (رویدادها و تحلیل، ۱۳۶۵: ۲۲). در آغاز سال ۱۳۶۶، چین ۳۰ فروند جنگنده بمب‌افکن Shenyang J-6 و Shenyang J-7 و ۸۰ فروند موشک کرم ابریشم و ۴۰ فروند موشک زمین به زمین از نوع Scud-B از طریق کره شمالی به ایران فرستاد (Gill, 1998: 61). در مجموع، طی سال‌های دفاع مقدس، چین دو سوم کلیه تجهیزات نظامی ایران را تأمین می‌کرد و بزرگ‌ترین تأمین‌کننده تسلیحات ایران بود (Garver, 2006: 80-82).

همزمان، چین با فراهم آوردن انواع سامانه‌های تسلیحاتی که از نظر «ضد دسترسی -مانعت منطقه‌ای»^{۱۳} برای جمهوری اسلامی ایران مفید بودند، در گسترش این قابلیت، نقشی کلیدی

۱۲. در این زمینه، رک به: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ. ۱۳۷۹. تنبیه متجاوز. تهران: انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، چاپ ۱. ص ۱۸۵.

13. Anti-Access /Area-Denial (A2/AD)



را ایفا کرده است. تمرکز ایران بر منابع ضد دسترسی حاکی از آن است که ایران برای مقابله با جنگ نامتقارن علیه دشمنی به مراتب قوی‌تر مانند آمریکا که دارای چابکی، سرعت و تاکتیک‌های «فرماندهی و پایش»^{۱۴} غیرمتمرکز در کنار جنگ‌افزارهای پیشرفته ضد کشتی و ضد هواپیمایی است، همواره برای دفاع از منافع خود در خشکی و دریا علاقه‌مند به کسب و دریافت تکنولوژی و تسلیحات چینی بوده است. برای اولین بار، در اواخر دهه ۱۹۸۰ م بود که ایران شروع به وارد کردن موشک‌های ضد کشتی از چین کرد (Wisconsin Project, January-February 1997). بنا بر برخی از منابع، ایران همچنین ۱۰۰ الی ۲۰۰ موشک کروز ضد کشتی C801 (aka Ying Ji-81, Eagle Strike-81) را از چین در بین سال‌های ۱۹۸۷ تا ۱۹۹۴ وارد کرده است. در ۱۹۹۱ م، ایران خواستار ۱۵۰ موشک کروز C802 بود (Gill, 1998: 58)، ولی زمانی که ایران این موشک ضد کشتی را در سال ۱۹۹۶ مورد آزمایش قرار داد، با فشار سنگین دولت کلینتون، پکن تنها ۷۵ فروند از این موشک‌ها را به ایران منتقل کرد (Rezaei, 2014: 124). با وجود این، منابع نظامی آمریکایی در سال ۱۹۹۷ گزارش دادند که چین پانزده قایق مجهز به C802 نیز به ایران تحویل داده است. در نمایشی از کارایی این تسلیحات، حزب‌الله لبنان برای حمله به ناوشکن اسرائیل در سواحل لبنان در طول جنگ ۲۰۰۶ با نیروهای اسرائیلی از موشک C802 استفاده کرد و فرض بر آن است که حزب‌الله موشک را از ایران دریافت کرده است (Haaretz, July 15, 2006).

ایران علاوه بر دریافت سامانه‌های موشکی ضد کشتی از چین، از طراحی‌های متعدد موشک‌های چینی به‌عنوان الگوی سامانه موشکی ضد کشتی ساخت داخل استفاده نموده است که برخی از آن‌ها با کمک چین در ایران ساخته شده‌اند. این موارد شامل «موشک ضد کشتی دوربرد نور» که گفته می‌شود شکلی از C801 و C802 است (Naval Weapons, Oct 9, 2010). «موشک ضد کشتی کوثر» که برای اولین بار در ۲۰۰۴ م ساخته شد، مبتنی بر سامانه‌های موشکی TL-10 C701 است (Space War, May 31, 2004). «موشک ضد کشتی دوربرد رعد» که در ۲۰۰۴ م از آن پرده‌برداری شد، ظاهراً شکلی از موشک کرم ابریشم HY-2 با برد مؤثر تقریباً ۳۶۰ کیلومتر است (Space War, January 25, 2004). «موشک ضد کشتی نصر» نیز تا حدود زیادی مبتنی بر سامانه موشکی C704 چین است (UPI, April 23, 2010). «موشک ضد کشتی قادر» که در سال ۲۰۱۱ از آن رونمایی شد، بسیار به سامانه‌های موشکی C802 و C803 چین شباهت دارد (Eshel, 2011). از طرفی، «سامانه موشکی ظفر» نیز که در اوایل ۲۰۱۲ تولید شد و موشکی ضد کشتی و هدایت‌شونده است به نظر مبتنی بر سامانه‌های موشکی C704 و C705 است (Emirzadeh, 2012). ایران همچنین

14. Command and Control (C2)



قایق‌های موشک‌انداز را از چین دریافت کرده است. بین سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۰۲ م، پکن شمار نامعلومی از قایق‌های موشک‌انداز دودنده C-14 - کاتاماران - (معروف به گربه‌های چین) را به جمهوری اسلامی فروخت. این قایق‌ها قادرند موشک‌های کروژ ضد کشتی C701 را پرتاب کنند (Isenberg, 2012). در ۲۰۰۶ م، پکن قایق‌های گشت MK-13 مجهز به موشک‌های ضد کشتی و اژدر را برای استفاده نیروهای دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به تهران انتقال داد (US Congressional Research Service, Fall 2009). ایران همچنین چندین قایق تندرو «هودانگ»^{۱۵} را در اواسط دهه ۱۹۹۰ م از چین دریافت کرده است (Gertz, 1996). از طرفی گفته می‌شود ایران در زمینه مین دریایی نیز وامدار چین است. ایران تقریباً ۳۰۰۰ تا ۵۰۰۰ مین دریایی در اختیار دارد، از جمله مین‌های کف‌نشین موشکی EM11 و EM52 ساخت چین که به گونه‌ای طراحی شده‌اند تا از کف دریا در واکنش به علامت صوتی یا مغناطیسی کشتی به اهداف در کف دریا شلیک کنند (Wood, February 27, 2012). با این حال، کمک نظامی چین به ایران تنها به ارتقای قابلیت‌های ضد دسترسی دریایی محدود نمی‌شود؛ بلکه این کشور در توسعه موشک‌های زمین به هوا و زمین به زمین نیز به ایران کمک کرده است، همچنین در اواخر دهه ۱۹۸۰ م، چین سامانه‌های موشکی ضد هواپیمایی زمین به هوا HQ2 (که خود این موشک‌ها نسخه‌ای از سامانه‌های SA-75 شوروی است) را به ایران فروخت. این سامانه برای صادرات به عنوان موشک زمین به زمین M7 تغییر نام یافت و در ۱۹۹۲ م، ایران نسخه اصلاح‌شده HQ2/M7 را با اسم تندر ۶۹ به تولید انبوه رساند (Rezaei, 2014: 123).

بخشی از پیشرفت موشکی ایران نیز مرهون همکاری آن با چین است، برای نمونه، موشک‌های «نازعات ۶ و ۱۰» نیز در دهه ۸۰ با کمک چین ساخته شده و در دهه ۹۰، موشک‌های زلزلال ۱ و ۲ با کمک چینی‌ها جایگزین آن شد؛ اما «زلزال-۳» مستقلاً توسط متخصصان ایرانی طراحی شد و موشک «خلیج فارس» مشابه مدل DF-21D چین است. در ۲۰۱۰ م، گزارش‌هایی مبنی بر احتمال عقد قراردادی از طرف ایران برای دریافت موشک‌های ضد هواپیمایی HQ9 چینی منتشر شد. این موشک‌ها مبتنی بر سامانه تسلیحاتی S-300 روس و در بسیاری از موارد شبیه سامانه موشکی پاتریوت آمریکایی است (Strategy Page, February 12, 2010) که البته در همان سال تحت تأثیر فشار آمریکا و قطعنامه تحریمی ۱۹۲۹ شورای امنیت منتهی شد. در مجموع، می‌توان گفت که چین در به‌روزرسانی سخت‌افزارها و دکترین نظامی جمهوری اسلامی؛ کمک‌های فنی و انتقال فناوری نظامی برای تولید موشک‌های مختلف و سامانه‌های هدایت آن‌ها؛ کمک به توسعه سلاح‌های متعارفی مانند موشک‌های زمین به هوا،

15. Houdong



هوا به زمین و ضد کشتی و همچنین کمک به تولید هواپیماهای نظامی، سیستم‌های راداری و ناوچه‌های موشک‌انداز؛ تحویل فولادهای ویژه و برخی ابزار و ماشین آلات رایانه‌ای و قطعات برای ساختن موشک‌ها و سلاح‌های دیگر؛ ارائه آموزش به شماری از پرسنل کلیدی نظامی برای استفاده از سامانه‌های پیشرفته؛ و نهایتاً کمک‌هایی در زمینه دقت سامانه هدایت موشک‌های بالیستیک و نیروی رانش آن‌ها با استفاده از سوخت جامد نقش اساسی و تعیین کننده‌ای داشته است که به طریق اولی، حضور جمهوری اسلامی ایران را به‌عنوان یک قدرت نظامی در خاورمیانه، به‌ویژه در عرصه ضد دسترسی تسهیل نموده است. با وجود این و همان‌گونه که اشاره شد، این دست همکاری‌های نظامی و تسلیحاتی میان دو کشور از ۲۰۰۳ م و همزمان با آغاز بحران هسته‌ای ایران متوقف شد و این کاهش ارتباط نظامی که با افت مناسبات سیاسی نیز همراه بود، کم و بیش تا ۲۰۱۳ م ادامه یافت.

۴. دامنه دیپلماسی نوین دفاعی

با وجود محافظه‌کاری در سیاست کلان چین نسبت به ایران، پس از روی کار آمدن روحانی و موفقیت مذاکرات هسته‌ای، مقامات پکن تصمیم گرفتند روابط نظامی و دفاعی خود با ایران را احیا کنند. در همین راستا، در ۱۵ اکتبر ۲۰۱۵ سرلشکر فیروزآبادی - رئیس وقت ستاد کل نیروهای مسلح ایران - در تهران میزبان دریا سالار «سان جیانگو»^{۱۶} - جانشین رئیس ستاد کل ارتش جمهوری خلق چین - بود و دو طرف یک تفاهم‌نامه نظامی امضا کردند. پیش‌نویس این تفاهم‌نامه در زمینه‌های دفاعی، آموزشی، فنی، اطلاعاتی، سایبری و مبارزه با تروریسم بود.^{۱۷} در می ۲۰۱۴ م نیز، حسین دهقان - وزیر وقت دفاع جمهوری اسلامی ایران - به چین سفر کرد و با تعدادی از مقامات نظامی و سیاسی این کشور دیدار نمود. در همین ارتباط «جانگ وانگوان»^{۱۸}، وزیر دفاع چین اعلام کرد^{۱۹} که کشورش خواستار همکاری‌های نظامی نزدیک‌تر با ایران است. در سپتامبر همان سال نیز، برای اولین بار دو ناوشکن چینی «چانگچون»^{۲۰} و ناوشکن «شانگزو»^{۲۱}، به مدت چهار روز وارد بندرعباس شدند و به تمرین‌های مشترک نظامی با ایران پرداختند

16. Sun Jianguo

۱۷. برای آگاهی بیشتر، رک:

- Chinese admiral visits Iran. wants closer defense cooperation. Wed Oct 14, 2015. available at: <http://www.reuters.com/article/us-china-iran-idUSKCN0S907Q20151015>

18. Chang Wanquan

۱۹. برای آگاهی بیشتر، رک:

- <http://uk.reuters.com/article/uk-china-iran-idUKKBN0DL0DU20140505>, May 5, 2014 China aims to boost military relations with Iran, and Xinhua: May 5, 2014. http://news.xinhuanet.com/english/china/2014-05/05/c_133311149.htm

20. Changchun

21. Changzhou



(LaGrone, 2014). این اولین حضور کشتی‌های نظامی چین در بندری از ایران از زمان پیروزی انقلاب اسلامی بوده است. از طرفی، در اکتبر ۲۰۱۴، حبیب‌الله سیاری – فرمانده نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران – برای نخستین بار و به دعوت فرمانده نیروی دریایی ارتش خلق چین «وو شنگلی»^{۲۲} به‌طور رسمی از چین دیدار و گفتگوهای مهمی را در خصوص مسائل امنیت دریایی، مبارزه با دزدی دریایی در شاخ آفریقا و خلیج عدن و همکاری‌های نظامی و فنی در قلمرو دریایی انجام دادند (PLA Daily, October 23, 2014). اکنون با خروج ایران از فصل هفتم شورای امنیت، مناسبات آن‌ها تا حدودی مشروعیت بین‌المللی هم پیدا کرده است (Singh, 2014). افزون بر موارد فوق، سفر وزیر دفاع چین به ایران در ۱۴ نوامبر ۲۰۱۶، تفاهم‌نامه نظامی اکتبر ۲۰۱۵ م در ایران را به موافقتنامه نظامی تبدیل نمود. در ادامه همین روند، در ۲۵ خرداد ۱۳۹۶ نیز برای دومین بار، یک ناو گروه چینی در منطقه یکم نیروی دریایی ارتش در بندرعباس پهلو گرفت که این ناو گروه شامل دو ناو جنگی Changchun و Gin Zhou و همچنین یک شناور پشتیبانی با نام Chao Hu بود. در همین چارچوب، ایران تنها کشور بزرگ و قدرتمند خلیج فارس است که با آمریکا متحد نیست و مسیرهای دریایی و زمینی آن اهمیتی حیاتی برای چین دارند. چینی‌ها هوشمندانه می‌دانند که تقویت دیپلماسی دفاعی با ایران با وجود حساسیت‌ها و بی‌اعتمادی شخص آیت‌الله خامنه‌ای نسبت به توسعه روابط ایران با غرب، متضمن حفظ منافع آن‌ها در این محور ژئواستراتژیک است. با این حال، این مهم، الزاماً به معنای تعمیق روابط دفاعی و نظامی نیست.

برای نمونه، در اوت ۲۰۱۵ م، اخباری مبنی بر تمایل ایران برای خرید ده‌ها فروند هواپیماهای جنگنده از نوع Chengdu J-10 در قالب قراردادی میلیارد دلاری مطرح گردید (Ermito, 2015). در صورت تحقق، این همکاری به این معنا است که ایران قادر خواهد بود برخی از نیازمندی‌های تسلیحاتی خود همچون جت‌های جنگنده و سامانه‌های دفاع هوایی (که به‌شدت فرسوده و از کارایی اندکی برخوردارند) را تأمین و در مقابل خریدهای کلان نظامی کشورهای خلیج فارس، توازن ایجاد کند. احتمالاً سفر ۲ نوامبر ۲۰۱۵ امیر سرتیپ خلبان «حسن شاه صفی» – فرمانده نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی – به چین و دیدار با «ما ژیاوتیان»^{۲۳} – فرمانده نیروی هوایی این کشور – در همین راستا بوده است. در جریان این ملاقات، ژیاوتیان تأکید کرد که چین خواهان افزایش همکاری با نیروی هوایی ایران است. این مقام ارشد چینی با تأکید بر اینکه به تدریج همکاری دو کشور در زمینه نیروی هوایی در حال بهبود یافتن است، تصریح کرد: «ما امیدواریم که این همکاری‌ها به یک سطح به جلو پیش برود». در این در

22. Wu Shengli

23. Ma Xiaotian



سفر چهار روزه، فرمانده نیروی هوایی ایران از شرکت «کاتیک»^{۲۴} از شرکت‌های زیر مجموعه سازمان هوافضای چین و «نریت»^{۲۵} شرکت فعال در حوزه الکترونیک هوایی و همچنین مرکز کنترل و دفاع هوایی در شهر پکن بازدید نمود (OE Watch, 2015: 7). در این سفر همچنین امیر شاه‌صفی با سفر به شهرهای «جی نان» و «شی ان» ضمن حضور در لشکر ۱۹ هوآبرد چین و دانشکده مهندسی نیروی هوایی این کشور، از شرکت‌های «ژاک»^{۲۶} و «فاکری»^{۲۷} نیز دیدن کرد.^{۲۸} حسن شاه‌صفی در این سفر، بازدیدی نیز از کارخانه‌های تولید جنگ‌افزارها و تجهیزات هوایی چین داشت. طبق برخی گزارش‌ها، ایران دسترسی به ساختار پهپاد-US RQ 170 آمریکا را که در دسامبر ۲۰۱۱ م در ایران ناپدید شده بود با چین به اشتراک گذاشته است، و در سایه این روابط، جایگزینی جنگنده‌های پیشرفته با جنگنده‌های قدیمی اف ۱۴ و فانتوم‌های اف ۴ را می‌توان دید (OE Watch, 2015: 7). در مجموع، چین دارای بزرگ‌ترین ارتش جهان از نظر تعداد نیروی حرفه‌ای (دو میلیون و سیصد هزار نفر) است (Globalfire Power, 2016) و ظرف یک دهه اخیر به‌خاطر صرف هزینه و فعالیت‌اش در جهت نوسازی نظامی و گسترش توانمندی‌های نیروهای متعارف و غیرمتعارف خود، هم به‌لحاظ آرایش زمینی، توان دریایی، قابلیت‌های هوایی و همچنین برنامه موشکی و سایبری، توجه فزاینده‌ای را در عرصه جهانی به خود جلب کرده است.

به لحاظ امنیتی نیز، به نظر می‌رسد چین و ایران هر دو به تضعیف نظم بین‌المللی موجود به رهبری آمریکا متعهد هستند. چین نهادهای امنیتی و اقتصادی منطقه‌ای ایجاد کرده است که با نهادهای تحت تسلط آمریکا و متحدانش رقابت می‌کنند، و ایران هم مایل است در آن‌ها فعالانه مشارکت و عضویت داشته باشد. «سازمان همکاری‌های شانگهای»^{۲۹} یکی از مهم‌ترین این نهادها است. بر همین اساس، «دیمیتری مزنتسف»^{۳۰} دبیر کل این سازمان گفت موفقیت برجام، زمینه را برای عضویت کامل جمهوری اسلامی ایران در سازمان همکاری شانگهای فراهم کرده است (Weijian, 2015). اظهارات صریح مقامات روسی نیز از این امر حکایت داشته است (Sputnik, Jun 3, 2015). امنیت در افغانستان به عنوان همسایه مشترک

24. CATIC (China National Aero-Technology Import & Export Corporation)

25. NRIET (Nanjing Research Institute of Electronics Technology)

26. XAC (Xi'an Aircraft Industrial Corporation)

27. FACRI (Flight Automatic Control Research Institute)

۲۸. بنگرید به: خبرگزاری فارس. ۱۳۹۴. «دیدار و گفتگوی فرماندهان نیروی هوایی ارتش ایران و چین در پکن»، قابل دسترس در: <http://www.farsnews.com/printable.php?nn=۱۳۹۴۰۸۱۱۰۰۲۰> [۱۱ آبان].

29. Shanghai Cooperations Organization (SCO)

30. Dmitry Mezentsev



دو کشور، تحولات خاورمیانه و مبارزه با افراط گرایی و گروه‌های تروریستی دیگر موضوعات مشترکی است که ایران و چین در آن دارای منافع مشترک امنیتی و نیاز متقابل به یکدیگر برای دستیابی به راه‌حلی همه‌جانبه و پایدار هستند. الگوی حداقلی همکاری دو کشور در موضوع سوریه نیز قادر است نزدیکی دیدگاه طرفین و وجود زمینه‌های متنوع همکاری امنیتی در تحولات منطقه‌ای را ارتقا دهد. از دیگر سو، ظهور اتصالات دیجیتال، ماهیت مناقشه و رقابت‌های بین‌المللی را تغییر داده است. با توجه به اینکه «آژانس امنیت ملی آمریکا» جنگ سایبری هدفمندی را علیه اهدافی از تاسیسات هسته‌ای ایران گرفته تا شبکه‌های فرماندهی چین انجام می‌دهد (Singer, 2015)، برای خنثی‌سازی نسبی تهدیدات سایبری، دو کشور برای همکاری، انگیزه و دلایل مشترکی در این قلمرو خواهند داشت.

افزون بر آن، اتحاد آمریکا با شورای همکاری خلیج فارس، تا حدودی یک رژیم امنیتی سازگار با منافع واشنگتن در خاورمیانه را تضمین کرده است. با این حال، خلیج فارس به‌طور کامل و ایمن در مدار آمریکان نخواهد بود؛ تازمانی که جمهوری اسلامی مخالف حضور آمریکا در منطقه است. ایران مجهز به سخت‌افزارهای نظامی نسبتاً پیشرفته چینی (به‌ویژه قابلیت‌های ضد دسترسی) برای جلوگیری از تسلط این منطقه جغرافیایی توسط ایالات متحده، به چین این امکان را می‌دهد تا ایران به نیابت از آن، این سلطه را به صورت کنترل شده (و نه وقوع بحران و جنگ) به چالش بکشد و تمرکز واشنگتن را به منطقه اقیانوس آرام منحرف کند. بنابراین، در دوره حسن روحانی نیز، دورنگه داشتن تهران از واشنگتن، به نفوذ جهانی و وزن راهبردی چین کمک می‌کند. در واقع، بی‌جهت نیست که گفته می‌شود آینده تمام آسیا به این بستگی دارد که ایران نهایتاً به کدام طرف متمایل خواهد شد (Karaganov, 2008: 42-46). با وجود چنین منطقی‌هایی برای همکاری و تلاش برای ارتقای سطح مناسبات به شکل فراگیر و راهبردی، ملاحظات بر روابط دو کشور حاکم است که جمهوری اسلامی ایران نمی‌تواند جمهوری خلق چین را به مثابه یک متحد راهبردی در نظر بگیرد.

۵. تروید در اتحاد راهبردی

قبل از هر چیز، باید به این نکته توجه کرد که اساساً چین معاصر، منشأ روانی اتحاد را رد می‌کند. در این ارتباط دیدگاه جالب «خو جین»، دانشیار مؤسسه اقتصاد جهانی و سیاست در پکن در نوع خود قابل تأمل است.^{۳۱} فارغ از این بحث کلیدی، چینی‌ها می‌دانند که تقویت

۳۱. در این زمینه، رک به منبع چینی:

当代中国拒斥同盟心理的由来 2016年02月24日: 《国际经济评论》(京)2015年第5期
作者: 徐进, http://pol.ccn.cn/zxz/gjzxx_zxz/201602/t20160224_2880590.shtml



ائتلاف با ایران ممکن است از طرف آمریکا مشکلاتی برای آن‌ها به همراه داشته باشد. این مشکلات هم ابعاد اقتصادی دارد و هم ابعاد امنیتی. به علاوه، روابط فزاینده امنیتی با ایران (حتی با وجود عضویت رسمی ایران در پیمان شانگهای) ممکن است موجب ناکام ماندن تلاش‌های چین برای گسترش همکاری اقتصادی با دیگر کشورهای منطقه، به ویژه رژیم اسرائیل و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس (به ویژه عربستان سعودی) شود که هر دو ایران را رقیب اصلی خود می‌دانند. درست است که ایران یکی از تأمین‌کنندگان مهم نفت چین محسوب می‌شود؛ اما عربستان همچنان منبع نخست و مهم واردات نفت خام چین است. با توجه به رقابت این کشورها و ایران بر سر نفوذ منطقه‌ای، ممکن است چین به طور موازی نیز همکاری‌های امنیتی و دفاعی خود را با آن‌ها تقویت کند که این رویداد، قطعاً خوشایند ایران نخواهد بود. لذا همکاری با ایران، حتی برای کشورهایی که به نظر می‌رسد منافع مشترکی با ایران دارند، عموماً دشوار است. لذا در اینجا به برخی از متغیرهایی اشاره می‌شود که بر روابط دفاعی ایران و چین محدودیت وارد می‌کند.

۵. ۱. نقش آمریکا

روابط نظامی چین و ایران راهبردی‌ترین و مبهم‌ترین بخش از روابط دو کشور است که همواره حساسیت و مخالفت آمریکا را به دنبال داشته است. بنابراین، یکی از مهم‌ترین عواملی که موجب محدودیت در روابط دفاعی ایران و چین می‌شود، به نقش ایالات متحده آمریکا برمی‌گردد و اهمیتی که پکن برای حفظ روابط خود با واشنگتن قائل است. به طور نمونه، با تداوم افزایش تهدیدها در خاورمیانه، واشنگتن به صورت ویژه‌ای نگران هرگونه ارتباط چینی‌ها با ایران است. تلاش‌های پکن برای گسترش پیوندهای مستمر نظامی، سیاسی، و حتی اقتصادی با تهران، اغلب به عنوان امری که می‌تواند موجب گسترش بلندپروازی ایران در خاورمیانه گردد، نگریسته می‌شود. افزون بر آن، آمریکان نخستین و بزرگترین شریک تجاری این کشور به حساب می‌آید که تنها در شش ماهه نخست سال ۲۰۱۷، رقمی حدود ۳۶۰ میلیارد دلار تجارت را تجربه کرده‌اند که این حجم از مراودات تجاری و اقتصادی، سالانه به بیش از ۶۰۰ میلیارد دلار می‌رسد. رقمی که ۱۲ برابر تجارت چین با ایران است. طی دو دهه اخیر، موضوع تایوان نیز با ایران یک ارتباط مجازی پیدا کرده است که در روابط چین با آمریکا نقش ایفا می‌کند. به طور نمونه، چین در اکتبر ۱۹۹۷ از ساخت دو نیروگاه ۳۰۰ مگاواتی و یک رآکتور آب سنگین ۲۷ مگاواتی در ایران (که واشنگتن آن را با هدف تولید پلوتونیوم ارزیابی می‌کرد) کناره گرفت (Garver, 2006: 164-165). مهم‌ترین دلیل آن، علاوه بر رژیم تحریمی «ایلسا»^{۳۳} علیه

32. Iran Libya Sanction (ILSA)



جمهوری اسلامی ایران که محدودیت‌هایی را برای روابط سایر کشورها با تهران به همراه داشت، موضوع به متغیر تایوان در روابط چین و آمریکا برمی‌گشت که در قبال تعهد واشنگتن در خصوص عدم فروش تسلیحات نظامی به تایوان، پکن نیز متعهد به کناره‌گیری از همکاری هسته‌ای و تسلیحاتی با ایران گردید (Mackenzie, 2010: 10). این موضوع همچنان به قوت خود باقی است. با این حال، واشنگتن از اهرم‌های سیاسی و فشار نهادهای اقتصادی نیز در مواجهه با فعالیت‌های پکن برای نزدیکی به تهران برخوردار است که این کشور را مجبور می‌کند در مراودات نظامی و دفاعی با ایران احتیاط پیشه کند.

۲.۵. جایگاه عربستان سعودی

سفر تاریخی ملک عبدالله پادشاه عربستان به پکن در ژانویه ۲۰۰۶ م، روابط دو کشور را که عمدتاً به انرژی و تجارت متمرکز بود، در مسیر تکامل سیاسی قرار داد. از آن پس، سعودی‌ها تلاش کردند با ارتباط نزدیک‌تر و لابی‌گری، چین را با غرب در تحریم ایران همگام کنند. قطعنامه ۱۶۹۶ در ژوئیه همان سال به عنوان اولین قطعنامه علیه برنامه هسته‌ای و موشکی ایران به تصویب رسید. در ۲۰۰۷ م، نیز چین موشک بالستیک DF-21 را که حاضر نشد به ایران بفروشد، در اختیار عربستان گذاشت. در حالی که احتمالاً چینی‌ها ترجیح می‌دهند از اختلافات سیاسی و جنگ سرد تهران و ریاض دور بمانند، قدرت اقتصادی آن و کرسی دائمی در شورای امنیت سازمان ملل، باعث شده است که این کشور برای ایجاد توازن بین ایران و عربستان دچار مشکل شود. در واقع، بیش از هر چیز، انگیزه‌های سعودی‌ها برای تحکیم رابطه اقتصادی خود با چین، به کسب و جلب امتیاز سیاسی از پکن در خصوص مسائلی مانند ایران برمی‌گردد. از طرفی، می‌دانیم که عربستان سعودی بزرگ‌ترین شریک تجاری چین در خاورمیانه است. همچنین، خاورمیانه برای چین بیشتر از ایالات متحده به عنوان تأمین‌کننده نفت مهم است. سه کشور از چهار صادرکننده برتر نفت به ایالات متحده در نیمکره غربی (کانادا، مکزیک و ونزوئلا) هستند که حدود ۵۰ درصد از کل واردات نفت ایالات متحده را تشکیل می‌دهند و عربستان سعودی از سال ۲۰۱۰، به تنهایی تقریباً ۸ درصد کل تقاضای ایالات متحده را تأمین می‌کند (Global Security, 2017).

از همین رو، همزمان با توافق هسته‌ای و پیش‌بینی در مورد احتمال همکاری نظامی ایران و چین، رابطه چین و عربستان سعودی نیز به‌طور قابل توجهی گرم‌تر شده است. در این راستا، دو کشور در ۲۴ آگوست ۲۰۱۷ م، ۶۰ قرارداد و یادداشت تفاهم را به ارزش ۷۰ میلیارد دلار امضا کرده‌اند. براساس آژانس خبری چین، شینو هوا، «این موافقت‌نامه‌ها شامل سرمایه‌گذاری، تجارت، انرژی، خدمات پستی، ارتباطات و فعالیت‌های مرتبط با امور رسانه‌ای است». در همین



راستا، مقامات چینی معتقدند سند چشم انداز ۲۰۳۰ عربستان که در سال ۲۰۱۶ م - به عنوان یک استراتژی ملی مطرح گردید، و به شدت وابسته به نفت است - به خوبی با طرح موسوم به ابتکار «یک کمربند، یک جاده» (اوبور)^{۳۳} که در سپتامبر ۲۰۱۳ م توسط شی جین پینگ مطرح شده است مطابقت دارد (Gao, 2017). در این چارچوب، چین می داند که مسیر دریای سرخ برای تکمیل جاده ابریشم دریایی، شدیداً به همکاری جدی عربستان سعودی وابسته است. همین واقعیت، محدودیت‌های جدی برای در نظر گرفتن ملاحظات عربستان نزد مقامات پکن ایجاد می کند و به طریق اولی تعدیل کننده روابط نزدیک نظامی چین با ایران به شمار می رود. از سوی دیگر، در طرح جاده ابریشم دریایی، جمهوری اسلامی ایران بزرگ ترین تهدید برای عربستان به شمار می رود. لذا چین در تلاش است تا با حفظ توازن در روابط بین ایران و عربستان به اهداف مورد نظر خویش نائل گردد؛ تا جایی که انعقاد توافق ده ساله با تهران برای افزایش سطح تجارت فی مابین تا ۶۰۰ میلیارد دلار از این منظر قابل توجیه است (Motevalli, 2016: 3-4).

از طرفی، گسترش حوزه نفوذ ایران در جنگ یمن تا خلیج عدن و دریای سرخ تا حدودی باعث نگرانی دولت چین برای تضمین امنیت دریایی جاده ابریشم شده است. بنابراین، دولتمردان پکن تصمیم گرفتند تا همگام با عربستان، از دولت در تبعید یمن حمایت کنند و اولین پایگاه دریایی برون مرزی را با همکاری عربستان در جیبوتی احداث نمایند که از لحاظ راهبردی در خلیج عدن و دریای سرخ بسیار حائز اهمیت است. در این میان، عقد توافق نامه احداث کارخانه پهپادسازی در عربستان میان «شرکت دولتی علم و فناوری هوافضای چین»^{۳۴} با همکاری «مرکز علوم و فناوری ملک عبدالعزیز»^{۳۵} (Spencer, 2017)، نشانه دیگری از تمایل پکن و عربستان برای توسعه همکاری راهبردی با هدف کنترل اقدامات ایران در کریدور خلیج عدن و دریای سرخ و نیز ایجاد تغییرات اساسی در ترتیبات امنیتی آسیا - خاورمیانه است. بنابراین، مقامات عربستان با ایجاد وابستگی با چین، روابط تهران - پکن را در حد توان تعدیل می کنند.

۳.۵. متغیر اسرائیل

اگر فاکتور اسرائیل در ناکامی و یا تضعیف روابط راهبردی - دفاعی چین با ایران به اندازه متغیر آمریکا نباشد، کمتر از آن نیست؛ چرا که تقویت مناسبات با اسرائیل، جایگاه ویژه‌ای در تصمیم گیری‌های راهبردی چین در منطقه خاورمیانه دارد؛ لکن به جهت اهمیت حفظ روابط با کشورهای اسلامی، اخبار و گزارش‌های آن در رسانه‌های چین انعکاس چندانی نمی یابند.

33. One Belt, One Road (OBOR) initiative

34. China Aerospace Science and Technology Corporation (CASC)

35. King Abdulaziz City for Science and Technology



عموماً، دامنه همکاری چینی‌ها با اسرائیل، حوزه‌های متعددی را در برمی‌گیرد و ابعاد آن طیف وسیعی از موضوعات اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، علمی و به ویژه نظامی-امنیتی را شامل می‌شود. یکی از مهم‌ترین بخش‌های همکاری گسترده پکن-تل‌آویو، همکاری‌های نظامی و انتقال تکنولوژی اسرائیل و کشورهای غربی به چین است. جالب آنکه آغاز این همکاری در فوریه ۱۹۷۹ م و همزمان با انقلاب در ایران رخ داد. در این مقطع، یک هیئت عالی‌رتبه شامل «گابریل گیدور»^{۳۶}، مدیر اجرایی صنعت هوافضا، و نمایندگان ارشد وزارتخانه‌های امور خارجه و دفاع این رژیم مخفیانه به گوانژو چین سفر کردند و پایه‌های روابط نظامی دو طرف را بنا نهادند (Katz and Bohbot, 2017) که تاکنون نیز، روزانه بر دامنه این ارتباطات افزوده شده است. تجهیزات الکترونیکی، ماهواره‌های ارتباطی و جاسوسی، ابزارهای اپتیکی و خنک‌کننده‌های مورد نیاز در فناوری‌های موشکی، بخشی از نیازهای روزافزون چین در حوزه دفاعی و فنی است که تنها از طریق اسرائیل قادر به تأمین آن‌ها است. در این میان، بر کسی پوشیده نیست که یکی از مهم‌ترین شروط اسرائیل برای تعمیق این جنبه از روابط، حفظ فاصله چین از ایران در پروژه‌های نظامی و هسته‌ای بوده است. مروری بر سیاست‌های چین در قبال ایران از سال ۲۰۰۲ م، تعهد مقامات پکن نسبت به ملاحظات تل‌آویو در خصوص ایران را نشان می‌دهد. در باب این اهمیت، همین بس که «ماتان ویلنای»^{۳۷} که یک ژنرال عالی‌رتبه و وزیر دفاع ملی رژیم اسرائیل بود، در سال ۲۰۱۲ (یعنی اوج گمانه‌زنی‌ها در خصوص حمله نظامی اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای ایران) به عنوان سفیر در پکن منصوب شد که خوشحالی مقامات پکن را به واسطه امکان تعمیق همکاری‌های نظامی با اسرائیل در پی داشت (Kumaraswamy, 2012).

همزمان، آمریکا همواره نگران بوده است که روابط گرم اسرائیل و چین موجب انتقال فناوری پیشرفته نظامی از سوی اسرائیل به چین شده و ضمن افزایش توان نظامی چین در منطقه آسیا-پاسیفیک، خطر انتقال فناوری پیشرفته یاد شده به ایران نیز مهیا گردد.^{۳۸} اما اسرائیل نیز همچون آمریکا، برای مدیریت روابط چین با ایران از ابزار تایوان و اخیراً ویتنام بهره می‌برد. ضمن اینکه بهره‌برداری از لابی و نفوذ اسرائیل در بهبود روابط پکن - واشنگتن، مانع

36. Gabriel Gidor

37. Matan Vilnay

۳۸. برای نمونه، در سال ۲۰۱۳ م، دولت آمریکا، اسرائیل را به عدم پایبندی به تعهدات دو جانبه امنیت نظامی متهم کرد که برخی از فناوری‌های نظامی آمریکائی را در اختیار چین گذاشته است. ظاهراً اسرائیل این معامله را در تلافی سیاست‌های اوپاما در نزدیکی به ایران و پذیرفتن توافق هسته‌ای با تهران در ژنو ۳ انجام داده بود؛ اما موج انتقادات به دولت نتانیاهو به اندازه‌ای بالا گرفت که «مائیر شالیت» (Meir Shalit) رئیس

دایره مراقبت از صادرات امنیتی وزارت دفاع اسرائیل از سمت خود استعفا داد. در این باره رک:

- Dvorin, Tova. 2013. Report: US Furious at Israel Equipment Transfer to China, Israel National News, Dec 22, <http://www.israelnationalnews.com/News/News.aspx/175404>



از آن می‌شود که چین با فراغ‌بال، همکاری‌های مؤثر و تعیین‌کننده دفاعی-راهبردی با ایران داشته باشد. به همین منظور، بهره‌برداری از کارت جمهوری اسلامی ایران از سوی پکن در روابط با تل‌آویو با هدف کسب فناوری پیشرفته در زمینه‌های مختلف (به خصوص نظامی) و بهره‌برداری از لابی اسرائیل در بهبود روابط پکن - واشنگتن، نمی‌تواند در ارتباط با مسئله ایران دور از ذهن باشد. از طرفی، فاکتور اسرائیل در اعمال فشار به چین در جهت کاهش همکاری‌های کره شمالی-ایران نیز مطمئن‌نظر قرار دارد.

اسرائیل همچنین در اجرای پروژه‌های تأمین آب، ساخت جزایر مصنوعی، انرژی‌های پاک و البته توسعه کشاورزی در مناطق مختلف چین به ویژه در ایالت مسلمان‌نشین «شین جیانگ» و «گانسو»^{۳۹} و همچنین در «چینگهای»^{۴۰} و «نینگشیا»^{۴۱} جایگاه بسیار فعال و اثرگذاری دارد.^{۴۲} افزون بر موارد فوق، روابط اسرائیل و چین در زمینه‌های علمی و فرهنگی در قالب مؤسساتی چون «سیگنال»^{۴۳} ابعاد بسیار گسترده‌ای دارد (Curtis, 2015). هدف عمده سیگنال، تقویت روابط راهبردی، دیپلماتیک، فرهنگی و اقتصادی چین و اسرائیل از طریق تعاملات طولانی مدت علمی است. این برنامه بر این پایه استوار شده که چین مشتاق است از طریق برنامه‌های پیشرفته کار آفرینی و نوآوران اسرائیل و دستاوردهای فرهنگی و علمی آن بهره‌مند شود. علاوه بر تجربه کلاس درس، دانشجویان چینی در معرض یادگیری فرهنگ، جامعه و سرزمین اسرائیل قرار می‌گیرند و در سفرهای منظم به اسرائیل و شرکت در سمینارها، کنفرانس‌ها و کارگاه‌های آموزشی، و همچنین در مورد تاریخ یهودیان و هولوکاست بیش از پیش می‌آموزند (Kadesh, 2015). اکثر دانشگاه‌های اسرائیلی نیز در حال حاضر، به آموزش مطالعات چین مشغول‌اند. برای نمونه، از ۲۰۰۷ م، دانشگاه تل‌آویو یک موسسه کنفوسیوس راه‌اندازی کرده که به زبان و فرهنگ چینی فعالیت مستمر دارد. در سپتامبر ۲۰۱۳ م نیز یک مرکز تحقیقاتی مطالعات اسرائیل توسط دانشگاه تل‌آویو در دانشکده امور بین‌الملل دانشگاه جیائوتونگ در شانگهای تأسیس شده است که فعالیت‌های فرهنگی و علمی دو کشور را ارتقا داده است. اگر این دست‌مناسبات گسترده، ارتباط دولت-دولت را به ملت-ملت تعمیم دهد، طبیعتاً در آینده‌ای نه چندان دور، افکار عمومی چین به طور عام و جامعه علمی این کشور به طور خاص نسبت به ایران اسلامی دستخوش تغییر خواهد شد. بنابراین، بعید است که پکن مشارکت اقتصادی و سیاسی مهم با

39. Gansu

40. Qinghai

41. Ningxia

۴۲. برای آگاهی بیشتر در این خصوص، رک:

- China's Agricultural Technology and Equipment sector – Prepared for MOITAL & IEICI November 2010, Presented to: The Israel Ministry of Industry Trade & Labor and Israel Export & International Cooperation Institute. pp 11-31

43. Sino-Israel Global Network and Academic Leadership (SIGNAL)



واشنگتن و یا همکاری گسترده علمی-آموزشی و نظامی خود با اسرائیل را به خاطر توسعه روابط دفاعی و راهبردی به خطر اندازد. افزون بر آن، پکن به مدت طولانی یک سیاست خارجی مستقل را در پیش گرفته است که به طور کلی از تعهدات مبتنی بر اتحاد اجتناب می‌کند. در مقابل، این کشور در دوره جین‌پینگ، فعالانه ساخت و راه‌اندازی یک شبکه جهانی را در دستور کار قرار داده است که با ایجاد ۷۲ شکل مختلف از همکاری با ۶۷ کشور و پنج سازمان منطقه‌ای، در عمل، ایده مشارکت به جای اتحاد را پیگیری می‌کند.^{۴۴} بر این اساس، لزوم تدابیری برای متوازن کردن روابط با چین، امری مهم و اجتناب‌ناپذیر است.

۵. ۴. قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت

در اینجا محدودیت دیگری که بر روابط نظامی ایران و چین می‌توان متصور بود، ناظر به رژیم‌های بین‌المللی کنترل تسلیحات و همچنین قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت است. مثلاً، چین نیز به نوبه خود متعهد به رعایت دستورالعمل «رژیم کنترل فناوری موشکی»^{۴۵} است که انتقال قطعات و فناوری‌هایی را که می‌تواند در موشک‌های کروز و بالستیک دوربرد استفاده شود محدود می‌کند» (Medeiros, 2007: 97-174). از طرفی، بالغوشش قطعنامه تحریمی علیه ایران در جریان مذاکرات هسته‌ای و محور قرار گرفتن قطعنامه جدید ۲۲۳۱، قطعنامه مذکور ملاک عمل چین در خصوص فرایند و روند کسب مجوز تامین محصولات نظامی به ایران از طریق کسب رضایت شورای امنیت سازمان ملل خواهد بود. بخشی از محدودیت‌های این قانون برای دوره‌ای تا سال ۱۳۹۹ و برخی دیگر تا سال ۱۴۰۲ مقرر شده است. برای نمونه، آمریکا فعالانه با هم‌پیمانان خود مانند انگلیس و فرانسه در شورای امنیت سازمان ملل تلاش خواهند کرد تا مانع رأی دادن به فروش سلاح‌های متعارف اصلی به ایران در هشت سال نخست توافق هسته‌ای شود. دوم، آمریکا قویاً تحریم‌های باقیمانده علیه ایران را به اجرا در خواهد آورد، که می‌تواند شامل جرائمی برای شرکت‌های چینی‌ای باشد که برخلاف قانون تحریم‌های ایران و نیز قانون کاهش تهدید ایران عمل می‌کنند. به علاوه، آمریکا با فشار کنگره، لابی اسرائیل و همچنین دیپلماسی دلار عربستان سعودی، تلاش خواهد کرد چین را تشویق کند تا از فروش سلاح‌های پیشرفته به ایران خودداری کند. مثلاً، طرح تحریم‌های جدید ایران موسوم به S.722 یا «قانون مقابله با اقدامات بی‌ثبات‌ساز ایران» که ۲۳ مارس ۲۰۱۷ از سوی سناتور باب کورکر ارائه شد، و مجلس

۴۴. در این باره رک:

- Toast by Foreign Minister Wang Yi at New Year Reception for 2015, December 11, 2014. available at:
http://www.fmprc.gov.cn/mfa_eng/wjb_663304/wjbz_663308/2461_663310/t1218740.shtml
45. Missile Technology Control Regime (MTCR)



سنای آمریکا با اکثریت قاطع، آن را در ۱۵ ژوئن تصویب کرد،^{۴۶} به جهت نظام تنبیه، مجازات و جریمه‌های پیش‌بینی شده برای افراد حقیقی و نهادهای فعال در همکاری با نیروهای مسلح ایران، به طریق اولی و در همین چارچوب، دامنه ملاحظات چین در همکاری نظامی با ایران را گسترش خواهد داد. در واقع، برای مقامات سیاسی در پکن این طور استدلال می‌شود که چنین فروش‌های تسلیحاتی می‌تواند ایران را در اجرای یک سیاست خارجی بی‌پروا تر تشویق کند، که ممکن است اعتبار تامین نفت چین را به خطر بیندازد و منافع مرزی چین در ثبات منطقه‌ای را تهدید کند. در چنین شرایطی، اسرائیل، عربستان، امارات متحده عربی و ترکیه نیز تشویق خواهند شد تا از پکن چنین مطالباتی داشته باشند. بنابراین با توجه به ملاحظات متعدد چین که در اینجا به بخشی از آن‌ها اشاره شد، این کشور بعید است به دنبال نوعی از روابط دفاعی با ایران به سبک اتحاد نظامی غربی باشد.

۵.۵. عدم تقارن

در روابط ایران و چین یک واقعیت مهم وجود دارد که همچنان طی دو دهه گذشته، حل نشده باقی مانده است. آن مشکل «عدم تقارن» است. عدم تقارن به دو وضعیت اشاره دارد: (۱) تفاوت اولویت‌ها (۲) تفاوت نیازها. منظور از تفاوت اولویت‌ها، آن است که چین به لحاظ اهمیت، در اولویت نخست سیاست خارجی و دفاعی جمهوری اسلامی ایران قرار دارد و این اهمیت، فوریت امنیتی دارد. در شورای امنیت ملل متحد و در مورد جلوگیری، تأخیر و محدودیت برای قطعنامه‌های ضد ایرانی و نیز تأمین نیازهای دفاعی کشور، چین جایگاه مهمی نزد ایران دارد. اما در سوی دیگر، موضوع متفاوت است. ایران برای چین یک اولویت عمده نیست. مثلاً، شی جین‌پینگ در کنفرانس هجدهم حزب کمونیست اعلام کرد که این کشور در قالب فعال‌سازی «دیپلماسی همسایگی و مجاورت»^{۴۷} اولویت نخست خود را در همه ابعاد با کشورهای همسایه و مجاور در آسیای شرقی دنبال خواهد کرد و سپس گسترش روابط با کشورهای عمده در حال توسعه همچون روسیه، مکزیک، آفریقای جنوبی و هندوستان را در اولویت قرار خواهد داد (Swaine, 2015: 6). منظور از تفاوت نیازها، آن است که توجه چین به ایران، بیشتر از هر چیز به خاطر مسائل دوجانبه (بازارهای ایران) و سپس نیاز به نقش مثبت منطقه‌ای است. اما در سطح جهانی رأی وتوی چین و نقش تأخیری و محدودساز آن در شورای امنیت برای ایران اهمیت زیادی دارد. در مسائل دوجانبه هم نیازهای فنی و نظامی ایران حائز اهمیت است. از این رو،

۴۶. برای آگاهی بیشتر از جزئیات این قانون، رک:

- S.722 - Countering Iran's Destabilizing Activities Act of 2017, 06/15/2017. available at: <https://www.congress.gov/bill/115th-congress/senate-bill/722/text>

47. Neighborhood Diplomacy



اگرچه دو کشور در حوزه اقتصادی نقش مکملی دارند، اما در سایر حوزه‌ها دارای عدم تقارن در همکاری هستند که خود محدودیت در روابط دفاعی را ایجاد می‌کند. در واقع، نیاز چین به ایران به گونه‌ای نیست که الزامی برای پکن ایجاد کند و در نتیجه به اقتضای شرایط و منافع آن، در روابط خود با ایران تجدید نظر کرده است. یعنی ایران در این راستا تلاش بیشتری از خود به نمایش گذاشته است تا این روابط از کشوری ثالث اثر نپذیرد و روابط دوجانبه را براساس الگویی مبتنی بر مشارکت جامع و در سطح راهبردی ترسیم و تعقیب کند.

۵.۶. معمای قطعیت

یکی از دیگر مشکلاتی که در روابط دفاعی و امنیتی ایران و چین وجود دارد، «معمای قطعیت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران» است. بدین مفهوم که دشمنی پایدار تهران با واشنگتن و برخی از کشورهای غربی، همواره این پیام را به قدرت‌های شرقی همچون چین و روسیه ارسال کرده است که تهران در عرصه بین‌المللی فاقد گزینه‌های قابل اتکا بوده در موقعیت انزوا، قدرت چانه‌زنی‌های معمول را ندارد. لذا، تحت هر شرایطی محکوم به نزدیکی با این کشورها است. این موضوع باعث می‌شود که چین فکر کند ایران مدیون و محتاج دائمی این کشور است. با وجودی که پکن انرژی و موقعیت ژئوپلتیک ایران را نمی‌تواند نادیده بگیرد و در آینده، احتمالاً ایران مهم‌ترین کشور در خاورمیانه برای چین و طرح زمینی جاده ابریشم خواهد بود، اما همین معضل قطعیت، از انگیزه‌های سیاسی و راهبردی چین برای جلب رضایت تهران و ارائه امتیازهای تعیین‌کننده کاسته است.

در نظر بگیریم که درست پس از برجام که دولت روحانی از علاقه خود برای نزدیکی به غرب و رسانه‌های بین‌المللی از امکان آشتی احتمالی ایران و آمریکا سخن می‌گفت؛ بسیاری از مقامات کشورها یا نمایندگان آنها به تهران آمدند تا فرصت بازگشت ایران به اقتصاد جهانی را مغتنم بشمارند. در این میان، چین نیز از این قاعده مستثنی نبود. شی جین‌پینگ اولین رهبر جهان بود که بلافاصله پس از اجرای برجام به ایران سفر کرد. وی در بدو ورود در مقاله‌ای که در روزنامه ایران نوشت، از ضرورت احیای جاده ابریشم سخن گفت و با عضویت ایران در «سازمان همکاری شانگهای» موافقت کرد. اما چند ماه بعد، یعنی زمانی که حاکمیت در ایران با قطعیت این پیام را به دنیا مخابره کرد که «ما با آمریکا تنها در موضوع هسته‌ای گفتگو می‌کنیم، و به هیچ وجه رابطه با واشنگتن بهبود نخواهد یافت»، همین پیام قطعیت، باعث شد پکن از موضع قبلی خود در خصوص همکاری‌های دفاعی با تهران و همچنین حمایت از ایران در پیوستن به سازمان شانگهای عقب‌نشینی کند. عدم حمایت چینی‌ها از تبدیل عضویت ایران و طرح این موضوع از سوی «وانگ یی»، وزیر خارجه این کشور که پکن قصد دارد



در وهله اول روند پیوستن هند و پاکستان به این سازمان را در دستور کار قرار دهد، نارضایتی جدی ایران را به دنبال داشت (Reuters, 2016). در واقع، دولت روحانی مایل بود فضای روانی عدم قطعیت پس از توافق را حفظ کند و از فرصت‌های سیاسی به وجود آمده در راستای کسب منافع ملی بهره‌برداری حداکثری کند، که این کار با عدم اجماع داخلی میان نهادهای حکومتی، نظامی و دولتی با موفقیت همراه نشد. از طرفی، نگرانی چینی‌ها از تأثیر منفی عضویت رسمی ایران به سازمان، همچون اتخاذ موضع حمایتی ایران در قبال نهضت اسلامی تاجیکستان به عنوان همسایه بلافصل چین، روابط گسترده چین و آمریکا، عدم اطمینان چینی‌ها از فرایند سیاسی و اقتصادی پس از برجام و نوع روابط ایران با آمریکا به ویژه در دوران ترامپ، نارضایتی چین از نزدیکی مناسبات ایران و هند به ویژه توافق سه‌جانبه میان ایران، هند و افغانستان در زمینه توسعه بندر چابهار، و جایگاه نامشخص و مبهم ایران در طرح جاده ابریشم، از جمله دلایل و زمینه‌هایی است که انگیزه‌های لازم چین را از همکاری دفاعی و حمایت از تبدیل عضویت ایران از عضو ناظر به اصلی در شانگهای کم کرده است (Rezaei, 2016).

بنابراین، چینی‌ها عموماً برای ایران تعریف مشخصی دارند، و آن اینکه با جلوگیری از فشار مضاعف به ایران، امنیت مسیر انتقال انرژی از منطقه خلیج فارس حفظ شود، و به موازات آن نیز، موفقیتی در نزدیکی ایران به غرب حاصل نگردد؛ به خصوص اگر این نزدیکی، پیامدهای منفی تعیین‌کننده‌ای برای چین به همراه داشته باشد؛ آن هم در شرایطی که خاورمیانه و موقعیت راهبردی ایران، ابزارها و امکان نرم‌افزاری بیشتری در اختیار ایران برای مشارکت با غرب قرار می‌دهد که چین تا حد زیادی فاقد آن است. در عین حال، چینی‌ها طی نزدیک به چهار دهه، برای تبدیل «نقطه ضعف-تهدید» به «نقطه قوت-فرصت»، شناخت عمیقی نسبت به ایران پیدا کرده‌اند. این شناخت باعث چندوجهی شدن سیاست خارجی پکن در قبال تهران شده است که تنها روابط دفاعی و نظامی محدود با ایران را تعریف کرده است.

۶. نتیجه

به‌طور کلی، شواهد عملی در رفتار دیپلماتیک چین بیانگر آن است که این کشور در محیط‌هایی مانند خاورمیانه و خلیج فارس از الگوی موازنه منطقه‌ای در فروش تسلیحات بهره می‌برد. توازن‌گرایی منطقه‌ای در دوران جنگ ایران-عراق دارای دو سطح منطقه‌ای و بین‌المللی بود. این امر نمادی از مدیریت بحران براساس منافع، اقدامات تاکتیکی و الگوهای متوازن‌کننده بوده است و پس از برجام نیز به فرض پایبندی ایران به قطعیت در سیاست خارجی، بی‌وقفه تداوم خواهد یافت. با این تفاوت که در دوره روحانی، تا حدودی وزن کنونی ایران در عرصه بین‌المللی و متعاقباً روابط ایران با چین تقویت شده است. بر این اساس، به نظر می‌رسد ایران



و چین در دوره جدید نیز، برای تقویت مناسبات دفاعی و نظامی، نیازمند ایجاد «روابط متعادل سیاسی» هستند. بدین مفهوم که گسترش و تقویت پیوندها و مناسبات دو کشور؛ عموماً تابعی از فضای مساعد بین‌المللی و همچنین متغیر ایالات متحده آمریکا، عربستان و اسرائیل بوده که در پرتو آن، امکان تحقق بستر مناسب برای سایر حوزه‌های همکاری موضوعیت یافته است. در نتیجه، چشم‌انداز ۲۵ ساله‌ای از مشارکت جامع راهبردی که به تازگی در زمینه‌های متنوعی از جمله سیاسی، امنیتی و اقتصادی در دستور کار قرار گرفته است، نیازمند تشکیل گروه‌های متعدد کاری و باز کردن گونه‌ای از مکانیسم گفتگویی است که باید به «دیالوگ استراتژیک» منجر شود و معطوف به سازماندهی سازوکارهای حقوقی، نهادی و کارکردی دو کشور باشد تا قبل از هر اقدامی، اطمینان حاصل شود که در هر شرایطی، این روابط همچون گذشته از کشور سوم و چهارم اثر نخواهد پذیرفت. در این راستا، اکنون رابطه ایران و چین از سطح و مرحله سوم به مرحله دوم یعنی مشارکت راهبردی رسیده است. نظر به آنکه گرایش جدید چین به دیپلماسی مشارکت جامع راهبردی در ارتباط با جمهوری اسلامی ایران، انعکاسی از معادلات غرب آسیا و نقش محوری ایران پس از برجام است؛ بنابراین، جمهوری اسلامی ایران نیز باید سیاست‌گذاری‌ها و سطح انتظارات خود را مطابق با این مرحله از روابط دوجانبه تنظیم کرده و از اتخاذ تصمیمات فراتر از این حوزه اجتناب ورزد. در مقابل، روابط گسترده با دنیا موجب می‌شود تا سطح همکاری دفاعی و نوع آن با کیفیت بیشتری از سوی چینی‌ها همراه شود. یعنی به هر میزان که روابط ایران با جامعه جهانی متوازن‌تر و گسترده‌تر باشد، روابط نظامی و دفاعی ایران و چین هم تعاملی‌تر و دوجانبه‌تر خواهد بود. لذا در بهترین حالت، چین در مقابل فشار آمریکا و مواضع عربستان و اسرائیل علیه ایران کشوری تعدیل‌کننده به شمار می‌رود و نه الزاماً خشی‌کننده. از این منظر هم، هم‌وزن کردن روابط با غرب، واجد اهمیت مضاعف است.

کتابنامه

- رویدادها و تحلیل. ۱۳۶۱. دفتر سیاسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. شماره ۱۳. ۳۳. تیر.
- رویدادها و تحلیل. ۱۳۶۴. دفتر سیاسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. شماره ۷. ۱۹. اسفند.
- رویدادها و تحلیل. ۱۳۶۵. دفتر سیاسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. شماره ۲۳. ۲۵. شهریور.
- شفیعی، نوذر. ۱۳۸۱. «سیاست خارجی چین و جنگ تحمیلی». فرهنگ پایدار. شماره ۷. آذر.
- Avigayil, Kadesh. 2015. "China-Israel Partnerships Grow Daily". Accelerating Future. November 28. available at: <http://acceleratingfuture.com/2015/11/china-israel-partnerships-grow-daily>.
- Blumenthal, Dan. 2015. "China, the U.S., and the Geopolitics of Energy". American Enterprise Institute. July 7. available at: <http://www.aei.org/publication/china-the-us-and-the-geopolitics-of-energy/>



- Branigin, William. 1987. "Unrest, Soviet Shadow Upstaged Hua in Iran". Washington Post. September 2
- Chang, I-wei Jennifer. 2015. "The Middle East in China's Silk Road Visions: Business as Usual?". Middle East Institute. April 14.
- Curtis, Michael. 2015. "Sino-Israeli global Network in Education: Israeli and Chinese Academics Meet". American Thinker. January 12. available at: <http://en.shisu.edu.cn/resources/features/israeli-and-chinese-academics-meet>
- Dickey, Lauren and Helia Ighani. 2014. "Iran Looks East, China Pivots West". The Diplomat. August 25. available at: <http://thediplomat.com/2014/08/iran-looks-east-china-pivots-west/>
- Economist. 2015. "The Great well of China". Jun 18th. available at: <http://www.economist.com/news/middle-east-and-africa/21654655-oil-bringing-china-and-arab-world-closer-economically-politics-will>
- Emirzadeh, R. 2012. "Iran: Naval Missiles". Iran Military Forum. September 15. available at: <http://www.iranmilitaryforum.net/naval-forces/iran-naval-missiles/>
- Ermito, Daniele. 2015. "Strengthening partnership between China and Iran". Global Risk Insights. August 27. available at <http://globalriskinsights.com/2015/08/strengthening-partnership-between-china-and-iran/>
- Ermito, Daniele. 2016. "Assessing China's strategy in the Middle East". Global Risk Insight. February 7. available at: <http://globalriskinsights.com/2016/02/assessing-chinas-strategy-in-the-middle-east/>
- Esfandiary, Dina. 2015. "Iran's Unfolding China Dilemma". Australian Strategic Policy Institute (ASPI). April 13. available at: <http://www.aspistrategist.org.au/iran-china-and-the-new-silk-road/>.
- Eshel, Tamir. 2011. "Iran Introduces the Qader, an Enhanced, Locally Produced Version of the C-802 Anti-Ship Missile". Defense Update. October 1. available at: http://defense-update.com/۲۰۱۱۱۰۰۱_iran-introduces-the-qader-a-locally-produced-c-۸۰۲-anti-ship-missile.html.
- Gao, Charlotte. 2017. "Closer Ties: China And Saudi Arabia Sign \$70 Billion in New Deals". The Diplomat. available at: <http://thediplomat.com/2017/08/closer-ties-china-and-saudi-arabia-sign-70-billion-in-new-deals/>
- Garver, John W. 2006. China and Iran: Ancient Partners in a Post-Imperial World (Seattle, WA: University of Washington Press).
- Gill, Bates. 1998. "Chinese Arms Exports to Iran". Middle East Review of International Affairs. Vol 2. No 2. May
- Global Firepower. 2016. "Current Military Capabilities and available Firepower for 2016 Detailed, China Military Strength. available at: http://www.globalfirepower.com/country-military-strength-detail.asp?country_id=china
- Global Security. 2017. "Saudi Arabia - China Policy". available at: <https://www.globalsecurity.org/military/world/gulf/sa-forrel-prc.htm>
- Haaretz, July 15, 2006. "Soldier Killed, 3 Missing After Navy Vessel Hit Off Beirut Coast". available at: <http://www.haaretz.com/news/soldier-killed-3-missing-after->



- navy-vessel-hit-off-beirut-coast-1.193112
- Isenberg, David. 2012. "Iran Well Prepared for the Worst". Asia Times. January 31. available at: http://www.atimes.com/atimes/Middle_East/NA31Ak07.html
- Kaplan, Robert. 2009. "Center Stage for the Twenty First Century: Power Plays in the Indian Ocean. Foreign Affairs. March – April,
- Karaganov, Sergei. 2008. Going Forward to Asia? Russian Politics & Law, Vol 46. No 6.
- Katz, Yaakov and Amir Bohbot. 2017. How Israel Used Weapons and Technology to Become an Ally of China. NewsWeek. 5/11. available at: <http://www.newsweek.com/china-israel-military-technology-beijing-jerusalem-saul-eisenberg-weapons-607117>
- Kelsey, Tim. 1990. Chinese Arms Dealers Flaunt U.N. "Embargo-China Ships Vital Nuclear Cargo to Iraq". London Sunday Independent. September 30,
- Kumaraswamy, P. R. 2012. "Israel-China Arms Trade: Unfreezing Times". Middle East Institute. July 16. available at: <http://www.mei.edu/content/israel-china-arms-trade-unfreezing-times>
- LaGrone, Sam. 2014. "Chinese Ships in Iran for Joint Exercises". September 22, USNI News. available at: <http://news.usni.org/2014/09/22/chinese-ships-iran-joint-exercises>
- Lim, Kevjn. 2015. "Iran Seen from Beijing". Washington Institute. June 11. available at: <http://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/view/iran-seen-from-beijing>
- Medeiros, Evan S. 2007. Reluctant Restraint: The Evolution of China's Nonproliferation Policies and Practices. 1980–2004 (Stanford University Press).
- Motevalli, Golnar, (2016). "China, Iran Agree to Expand Trade to \$600 Billion in a Decade". Bloomberg. 23 January. available at: <http://www.bloomberg.com/news/articles/2016-01-23/china-iran-agree-to-expand-trade-to-600-billion-in-a-decade>
- Naval Weapons. October 9, 2010. Anti-Ship Missiles: The Kowsar, Noor and Raad". The Arkenstone. available at: <http://thearkenstone.blogspot.com/2009/08/anti-ship-missiles-kowsar-noor-and-raad.html>
- OE Watch Commentary. 2015." Iran-China Air Force Cooperation on Horizon?". Vol 5. No 12. December.
- PLA Daily. 2014. October 23. available at: <http://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/view/iran-seen-from-beijing>
- Reuters. 2016. China-led Bloc Keeps Iran at Arm's Length Despite Russian Backing, Jun 23. available at: <http://uk.reuters.com/article/uk-uzbekistan-sco-idUKKCN0Z9214>
- Rezaei, Masoud. 2014. Chinese – Iranian Military Relations, Iranian Review of Foreign Affairs. Vol 5. No.3. Fall.
- Rezaei, Masoud. 2015. "China's Strategic Considerations in Bolstering Defense Diplomacy with Iran". Iran Review. Sunday, October 25,
- Rezaei, Masoud. 2015. "Final Nuclear Deal and Iran-China Relations". Iran Review.



- Thursday, February 26.
- Rezaei, Masoud. 2016. "Iran, China Need to Take More Steps to Expand Ties". Iran Review. September 21.
- Singh, Michael. 2014. "China's Military Presence in the Persian Gulf". Wall Street Journal. Sep 26. available at: <http://blogs.wsj.com/washwire/2014/09/26/chinas-military-presence-in-the-gulf/>
- Singh, Michael. 2015. "The Sino-Iranian Tango: Why the Nuclear Deal is good for China". Foreign Affairs. available at: <https://www.foreignaffairs.com/articles/china/2015-07-21/sino-iranian-tango>
- SIPRI Fact Sheet. 2016. "Trends in World Military Expenditure". April.
- Space War. 2004. "Iran Starts Production of New Short-range Raad Missile". Agence France-Presse. January 25. available at: <http://www.spacewar.com/2004/040125162743.c7jmxq41.html>.
- Space War. 2004. Iran Makes Its First Anti-Ship Missile". Agence France-Presse. 31 May. available at: <http://www.spacewar.com/2004/040531132712.27djenxy.html>.
- Spencer, Richard. 2017. "China to build drone plant in Saudi Arabia". The Times. March 28. available at: <https://www.thetimes.co.uk/article/beijings-influence-grows-with-deal-to-build-drone-factory-in-saudi-arabia-c7thzh9v8>
- Sputnik News. Jun 3, 2015. Iran's Nuclear Program Amid Western Sanctions, <http://sputniknews.com/politics/20150603/1022905361.html>
- Swaine, Michael D. 2015. "Xi Jinping's Address to the Central Conference on Work Relating to Foreign Affairs: Assessing and Advancing Major Power Diplomacy with Chinese Characteristics". available at: China Leadership Monitor, Issue 46, Thursday, March 19.
- US Congressional Research Service. Fall 2009. "Iran's Naval Forces: From Guerrilla Warfare to a Modern Naval Strategy, Federation of American Scientists. available at: <https://www.fas.org/irp/agency/oni/iran-navy.pdf>.
- Walsh, John V. 2014. "Obama's Pivot to Asia: Can China Contain America?". Global Research. November 17. available at: <http://www.globalresearch.ca/obamas-pivot-to-asia-can-china-contain-america/5414574>
- Weijian, Li. 2015. "Iran deal paves way for SCO membership". Global Times. August 3. available at: <http://www.globaltimes.cn/content/935132.shtml>
- Wisconsin Project. January–February, 1997. Iran: Missile Development". on Nuclear Arms Control Risk Report. available at: <http://www.wisconsinproject.org/countries/iran/iran-missile-1997.html>.
- Wood, David. 2012. "U.S., Iran Poised For Mine Warfare In The Persian Gulf," Huffington Post. February. available at: http://www.huffingtonpost.com/2012/02/27/us-iran-mine-warfare-persian-gulf_n_1304107.html